



این آرزوی ۴۷ ساله آمریکایی هاست



سرمقاله

نرسیده، سعی دارد اعتراف بگیرد که انقلابتان شکست خورده است!

مقابله با این شیوه کهنه که امروز با شدت و حدت بیشتر و البته روش های پیچیده تری در جریان است، هوشمندی و روش های خاص خود را می طلبد که می توان و باید به تفصیل به آنها پرداخت. مقاومت ملی بر اساس «واقع بینی امیدوارانه» نامی است که می توان بر این روش مواجهه نهاد. در این روش، کمبودها و ضعف ها نادیده گرفته نمی شوند اما این کمبودها و ضعف ها باعث ندیدن واقعیت بزرگتر نیز نمی شود. آن واقعیت بزرگتر عبارت است از اینکه، ایران امروز، بیش از چهار دهه پس از سوال آرزومندانه آن خبرنگار آمریکایی از امام (ره) به پیش رفته و دستاوردهایی داشته است که نه تنها دشمنان انقلاب، بلکه احتمالاً برخی از دوستان و حتی انقلابیون نیز انتظار آنها را نداشته اند.

آن خبرنگار در یکی از سوالات خود چنین پیش بینی کرده بود: «ارتش احتمالاً نمی تواند چنانچه حمله ای از خارج شود دفاع نماید.» البته شاید هم نتوان به او خرده ای گرفت، تصور او هنوز هم همان ارتشی بود که در آخرین تهاجم به ایران در شهریور ۱۳۲۰ تقریباً بدون هیچ مقاومتی تسلیم شد. اگر آن خبرنگار هنوز زنده باشد حتماً خبر کبی برداری ارتش کشورش از روی پهباد ایرانی را دیده است و اگر منصف باشد، به پوچ بودن قضاوت و آرزوهای آن روز خود اعتراف خواهد کرد. ■

جنگ تماس گرفته شد و تهدید شدند اگر کشور را ترک و یا از جمهوری اسلامی اعلام برائت علی نکنند، به همراه خانواده خود کشته می شوند!

مشابه این روش را امروز درباره ونزوئلا نیز شاهد هستیم. آمریکا علناً و لتمردان این کشور را تهدید می کند و در عین حال به آنان وعده نیز می دهد که در صورت تسلیم شدن و تقدیم دودستی کشور خود به کاخ سفید، برخی چیزها را برای آنها فراهم و تضمین خواهد کرد. روشی که از آن در ادبیات سیاسی به عنوان ارائه «چتر نجات طلایی» یاد می شود. تمام داستان و دعوای امروز آمریکا با ایران آن است که ایران را مجبور به یک اعتراف کنند؛ بگوید اشتباه کردیم که نیم قرن پیش برای به دست آوردن استقلال و حق تعیین سرنوشت خود قیام و انقلاب کردیم! علم کردن اپوزیسیون مرتجع و مفتضحی که طومارش در سال ۵۷ پیچیده شدن نیز در همین راستا است و گرنه خود بهتر از هر کسی می دانند که اینها عرضه ای ندارند و آبی از آنها گرم نمی شود.

البته نباید فراموش کرد که این جنگ جدید نیست و از همان ابتدای پیروزی انقلاب وجود داشت. آذرماه سال ۱۳۵۸ خبرنگار مجله آمریکایی تایم در مصاحبه با حضرت امام خمینی (ره)، آرزوهای خود را اینگونه در قالب سوال مطرح می کند: «منصفانه بگوئید و به عنوان یک مرد سیاسی بگوئید آیا انقلاب شکست نخورده است؟» جالب توجه است! رسانه آمریکایی از رهبر انقلابی که هنوز به سالگرد یک سالگی خود

رئیس جمهور آمریکا که در روزهای ابتدایی جنگ ۱۲ روزه مطرح شد، ناظر به همین راهبرد بود.

در هم شکستن اراده و مقاومت ملت ایران، برنامه ای مفصل، پیچیده و چندوجهی است. اگر بخواهیم محوره ای اصلی و اساسی این برنامه را در چند سرفصل خلاصه کنیم، عبارتند از:

- فشار شدید اقتصادی از طریق تحریم های ظالمانه برای افزایش مشکلات و نارضایتی
- بمباران رسانه ای افکار عمومی با اخبار منفی و اغراق شده درباره مشکلات و کمبودها
- سانسور و تخفیف هر گونه موفقیت در هر عرصه ای
- حمله و ترور شخصیت و تخریب چهره ها و کانون های ایستادگی و مقاومت
- تهدید و ارباب و ترسیم حال و آینده ای سیاه و خطرناک در صورت ادامه مقاومت
- و بالاخره فروش سراب آینده ای روشن و جذاب که تنها راه رسیدن به آن، تسلیم در برابر دشمن و تن دادن به باج خواهی های آن است.

در این جنگ وسیع و عمیق، محدودیت زمان و مکان تقریباً وجود ندارد. هر کس در هر جا آماج چنین حملاتی است. جنگ ۱۲ روزه برخی از ابعاد این نبرد ذهنی و مبتنی بر اراده ها را عریان تر از همیشه به نمایش گذاشت. برای نمونه و در سطح نخبگان، آنجا که با برخی از چهره ها و شخصیت های مؤثر نظام در همان ساعات اولیه شروع

امروزه تحقیقات و مطالعات ثابت کرده تقریباً در تمام عرصه های مهم فعالیت بشری، اراده و نوع فکر مهم ترین عامل شکل دهی و پیشبرد امور است. این عامل مهم تر از هر ابزار و امکان مادی و ملموس است. برخورداری از بهترین و قوی ترین ابزار و امکانات اگر با اراده لازم و دقیق همراه نباشد، به احتمال بسیار زیاد منتج به نتیجه لازم نخواهد شد.

سان تزو، استراتژیست چین باستان در کتاب مشهور خود به نام «هنر جنگ» که زمانی فقط در دانشکده های نظامی و دوره های فرماندهی تدریس می شد و امروز در سایر عرصه ها همچون تجارت، مدیریت، ورزش و دیپلماسی نیز مورد توجه جدی و مطالعه است، می گوید: «جنگیدن و پیروز شدن در همه نبردها اوج برتری نیست؛ اوج برتری در شکستن مقاومت دشمن بدون جنگ است.»

تاریخ بشری پر از چنین ماجراهایی است. اقوام، گروه ها و کشورهایی که علی رغم داشتن توانایی، در برابر دشمن شکست خورده اند، چرا که اراده ای برای مقابله و مقاومت نداشتند. در تاریخ ایران نیز از این دست تجارب تلخ وجود دارد.

آنچه امروز نیز ایران با آن مواجه است، چنین صحنه ای است. دشمن به هر روشی متوسل می شود و می گوشت تا مقاومت ایرانیان را در هم بشکند و به هدف خود برسد. «تسلیم بی قید و شرط» عبارت بزرگتر از دهان

ﷻ الله اکبر! الله اکبر از این عظمت و شکوه ایران. خدا را سیاس می گویم که توانستم زنده بمانم و با چشم خود ببینم که دشمنان ایران یکی پس از دیگری نابود خواهند شد. الله اکبر! دست مرزاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دست مرزاد نیروهای مسلح انقلاب اسلامی.


این صدای خرسر است

خط مقدم جدید استعمار

زمستان ۱۳۸۴، کمیته روابط خارجی سنای ایالات متحده: وزیر خارجه وقت امریکا در سنا حاضر شده برای استفاده بیشتر امریکا از ابزارهای به اصطلاح دیپلماسی نرم خطابه بخواند. تقاضایش هم مشخص است: «گسترش برنامه های رادیویی، تلویزیونی، اینترنت و پخش ماهواره ای فارسی زبان با حمایت مالی ایالات متحده و افزایش بودجه برای کمک به گروه های طرفدار دموکراسی و تبادللات و بورسیه های فرهنگی و آموزشی.» موازی با تهدید نظامی، اولین تلاش بزرگ امریکا بعد از انقلاب اسلامی برای فتح اذهان و افکار ایرانیان کلید خورده بود. در کنار این موارد، مراکز و بنیادهای ریز و درشت دیگری هم در داخل امریکا هستند که با دریافت مستقیم بودجه از سایر مراکز و مانند کنگره امریکا، مشغول اجرای این راهبردند. یکی از همین نهادها در گزارش سال مالی ۲۰۲۴ خود در بخش مربوط به ایران، مبالغی که برای پیشبرد این پروژه در ایران خرج کرده را لیست کرده. ترویج روزنامه نگاری، حمایت از فعالان مدنی و اجتماعی، پاسخگویی در مدیریت آب، ایجاد پلتفرم های رسانه ای دیجیتال و ترویج حقوق بشر از جمله این سرفصل هاست. این موارد مستقیم و صریح دولتی به جز هجوم فرهنگی سنگین سایر مراکز غیردولتی مانند هالیوود است. فتح اذهان و افکار به اندازه فتح خاک و سرزمین برای استعمارگران قرن بیست و یکم حیاتی است.

یک ایران، همدل است

تحلیل از خانواده شهدای جنگ ۱۲ روزه در آیین اختتامیه سی امین جشنواره بین المللی تناتر کودک و نوجوان همدان



خادم ترین به مردم

دیوارهای اتاق سرتاسر پوشیده از پرچم های مشکی متبرک به نام اهل بیت است. زن جوان، چادر و جفیه دور گردنش را مرتب می کند. روی مبل می نشیند و می گوید: «همسرم امیرحسین بیست و چهار سالش بود. شانزده آذر سال ۴۰۲ عقد کردیم. ۹ ماه بود که به خانه خودمان رفته بودیم. در همین مدت این قدر رفتارهای امیرحسین برایم خاص بود که چند بار به او گفتم کارهایت عجیب بوی شهادت می دهند. حدیثی از پیامبر داریم که: بهترین شما خادم ترین به مردم است. امیرحسین واقعا مصداق این حدیث بود. هروقت برای هر کس، هر کاری پیش می آمد کوتاهی نمی کرد و تاجایی که می توانست به همه کمک می کرد. احترام به پدر و مادر از اولویت هایش بود. بسیار ولایت پذیر و به انجام واجبات خیلی مقید بود. نماز اول وقت خیلی برایش مهم بود. به خمس و بیت المال خیلی اهمیت می داد.» زن جوان روی مبل جابه جا می شود به عکس بزرگ شده ی شهید که روی سه پایه در سمت چپش قرار دارد نگاه می کند و می گوید: «روز ۲۳ خرداد که پادگان هوافضای امام علی ؑ در خرم آباد را زدند، امیرحسینم به آرزویش رسید.» کارهای مخفی و خیری که شهید امیرحسین حسن پور برای دیگران انجام داده بود بعد از شهادتش نور شد و بدرقه ای راهش.


 سیده اعظم الشریعه موسوی